



نگاهی دقیق‌تر به «پایتخت ۶»

«شکلکی از خانواده»

آریا باقری: هرگز نمیتوان در دل تاریخ مجموعه‌های تلویزیونی منتشر شده از صدا و سیما چنین انبساط مضمونی و تک‌هجایی از محتوای برآمده از سریالی را چنین در نظر داشت که به واسطه سلسله فصل‌های متمادی که در ایام نوروز و یا ماه مبارک رمضان اینچنین مردم را سرگرم می‌کرد، در گستره عظیمی از موفقیت قرار بگیرد. مجموعه سریال «پایتخت» از «سیروس مقدم» - فیلمساز با تجربه و بسیار پرکار و تکنیکال صدا و سیما - با شکل استاندارد خود توانسته است یکی از خاطره‌انگیزترین و محسوس‌ترین آثار سریال‌های خود را به واسطه متن فوق‌العاده زیبا و منحصر به فرد مرحوم «خشایار لوند» و «محسن تائبنده»، در حیطه مردم شمال کشور ایران و مشکلاتشان بازتابی کند.



در صدا و سیما مواجه شده‌ایم که توانسته است بسان «پایتخت» این میزان رضایت مخاطبین خود را در هر قشر سنی جذب کند و پذیرای نقدهای منصفانه و غیر منصفانه به این شکل اثر باشد. زیرا هنگامی که به صورت اجزانشناسانه و ریشه‌ای، ماحصل نتایج از سریال «پایتخت» را بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که تاکنون هیچ سریالی به طور جد نتوانسته است مانند سریال «پایتخت» - که در لحظات حسسی و فرمیکی که رنگ و بوی خانواده و خانواده دوستی را به درستی متجلی می‌کند - این میزان، از هر فصلی که پشت سر می‌گذارد بپرق محبوبیت را بدون هیچ تیق و ساختارز دایی سبکی به اهتزاز در بیاورد. این مجموعه با تمامی مناقشات و یا اختلافات

رسانه‌ای توانسته است با گذر از هر فصلش برخلاف برخی مجموعه‌های تلویزیونی و یا شبکه خانگی معروف و مطرح، به ترتیب ماند: «ستایش» و «شهرزاد» که از پس یک فراز عالی نتوانستند فرود باشکوهی را از آن خود کنند؛ با دقت و ظرافت در ظرف کلی اثر خود، چینی‌دقیق روایی ایجاد کند که متن مجموعه با وجود گره‌های متوسط و عامه‌پسند و عوامانه خود، به صورت هر فصل منفک از دیگری دچار انفصال نشود.

هر چند که این انفصال درون مجموعه فیلم‌های دنباله‌دار کم‌دی نیز در سینمای جهان و مخصوصاً ایران به وفور یافت می‌شود و می‌توان به سری دو قسمتی «خوب، بد،

محاوره ما می‌شود بسیار حائز اهمیت است. درست است که سوژه اصلی سریال «پایتخت» را باید از کاربست خانواده بررسی کرد اما هرگز نمی‌توان نویسنده نهفته این جنس دیالوگ‌ها و کنش‌مندی‌های کاراکترها را از بالفعل نبودنشان نادیده گرفت. به عبارت دیگر «پایتخت» با تمامی افت و خیزی که در مراحل اجرا پشت سر می‌گذارد تا بهترین را ارائه دهد با یک جنس خاص، روتین و شناخته‌شده داستان خود را جلو می‌برد که این امر آفت فیلمنامه در برخی از فصولش نظیر آخرین فصل خود - «پایتخت ۶» - است. البته که نمی‌توان سریال «پایتخت» را بی‌نقص دانست و صدالبته که نمی‌توان چنین ادعا کرد که تاکنون با سریالی

«پایتخت» را می‌توان مجموعه‌ای دانست که از پس تمامی فراز و فرودها، شیوه نوین، جدید و بدیعی را در دل سریال‌های کم‌دی تلویزیونی به منصف ظهور رسانده و توانسته است مسیر نوین و قابل توجهی را برای خودش در نظر بگیرد؛ تقلید ساختاری نمی‌کند و از دل جریان‌ات روایی خود مخاطب را یک گام با اثرش جلو می‌برد و بیننده را با اتمسفر نوآورانه‌ای آشنا می‌سازد، پس خلاقیت متنی و داستانی «پایتخت» از این حیث که در فضا سازی بدیعی، کاراکترهای ساده و نه چندان پیچیده‌اش را بازسازی و بازآفرینی می‌کند و دست آخر به قدری در جهان اثر خود ملموس می‌سازد که محاوره کاراکترها



تاکنون هیچ سریالی به طور جد نتوانسته است مانند سریال «پایتخت» - که در لحظات حسسی و فرمیکی که رنگ و بوی خانواده و خانواده دوستی را به درستی متجلی می‌کند